

بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی در بین هواداران باشگاه فولاد خوزستان

راضیه آذریان^۱ | یوسف امینی^۲ | موسی شهریاری^۳

۳۱

سال پانزدهم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۱۲/۱۴

صص: ۱-۳۷

شاپا چاپی: ۶۳۲۸-۲۵۳۸

الکترونیکی: ۱۶۵۵-۲۷۱۷



چکیده

جامعه‌پذیری سیاسی، در همه جوامع، رمز ماندگاری، مشروعیت سیاسی و پایداری نظام سیاسی است. در جمهوری اسلامی ایران به دلیل وقوع انقلاب اسلامی و گذشت سی سال از آن مسئله نسل سوم و چگونگی هویت‌یابی آنان در محیط سیاسی جامعه و تداوم و بازتولید نظام سیاسی، تبدیل به یک موضوع اساسی شده است. از این رو هدف از تحقیق حاضر بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی در بین هواداران باشگاه فولاد خوزستان است. فرضیه‌های تحقیق بر پایه نظریات جامعه‌شناسی سیاسی نظیر نظریه کارکردگرای ساختاری، پارسونز، بوردیو و گیدنز می‌باشد. روش پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات، توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری در پژوهش حاضر کلیه هواداران باشگاه فولاد خوزستان در شهر اهواز در محدوده سن ۱۸ تا ۶۵ سال هستند و نمونه این پژوهش شامل نفر ۳۸۵ که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده است. نتایج نشان داد که؛ بین جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی در بین هواداران باشگاه فولاد خوزستان رابطه وجود دارد و همچنین نتایج فرضیه نشان‌دهنده رابطه بین مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی با جامعه‌پذیری سیاسی است.

کلیدواژه‌ها

انسجام اجتماعی، باشگاه فوتبال، جامعه‌شناسی، هواداران.

۱. گروه جامعه‌شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

۲. نویسنده مسئول: گروه جامعه‌شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

Email:YousefAmini@iau.ac.ir

۳. گروه جامعه‌شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

مقدمه

در اجتماع، شهروندان برای تطابق با شرایط اجتماعی و سیاسی نیازمند پذیرش ارزش‌های سیاسی هستند. بی‌تردید یکی از مهم‌ترین کارهای ویژه دولت‌های مدرن در درون یک کشور و یا محیط اجتماعی-سیاسی تلاش در جهت حفظ، انتقال و گسترش ارزش‌های سیاسی و اجتماعی نظام سیاسی خویش به نسل‌های بعدی است که در صورت بی‌توجهی به این مهم تداوم کارکردهای نظام سیاسی مذکور با مشکل مواجه می‌گردد که به این فرایند جامعه‌پذیری سیاسی گفته می‌شود (هزارجوبی، کریمی و فرهادی، ۱۳۹۳).

جامعه‌پذیری سیاسی فرایندی است که بر اساس آن جامعه‌گرایش، نگرش‌ها، دانش‌ها و اطلاعات و خلاصه ارزش‌ها و معیارهای سیاسی خود را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند. جامعه‌پذیری سیاسی یکی از ابعاد مهم فرهنگ در سطح جامعه است و به معنی وسیع فراگردی است که یک جامعه از طریق آن، فرهنگ سیاسی خود را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند. جامعه‌پذیری سیاسی با گرایش‌های توجیهی مردم و وقایع سیاسی ارتباط دارد و مقوله‌ای است که توجه به کیفیت شناخت سیاسی، اعتقادات و ارزش‌های یک شهروند را جلب می‌کند (اخترشهر، ۱۳۹۶). جامعه‌پذیری سیاسی مؤلفه مهمی در رشد شاخص کیفیت در جامعه است؛ زیرا که فرهنگ سیاسی در سازمان دستاوردش شکل‌دهی و جهت‌گیری در رفتار سیاسی، ارزش‌هاست و به منزله تابعی از فرهنگ عمومی، مفهومی است که سعی در ترکیب رهیافت‌های روان‌شناختی، مردم‌شناختی، جامعه‌شناختی و تاریخی برای پر کردن خلأ موجود بین سطح تحلیل رفتار سیاسی فردی و سطح تحلیل رفتار سیاسی مبتنی بر متغیرهای مشترک جامعه دارد. در هر اجتماعی محیط روانی مجموعه وسیعی از راه‌های تفکر و شیوه‌های اندیشه فرد درباره جلوه‌ها و مصادیق سیاسی را شکل می‌دهد که بستر این نگرش در سطح جامعه می‌تواند مؤلفه مهمی در رشد شاخص کیفیت زندگی گردد (امام‌جمعه زاده، ابراهیمی پور، رهبرقاضی و نوعی باغبان، ۱۳۹۲).

شناسایی عوامل مرتبط و مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی در برقرار کیفیت پذیرش ارزش سیاسی جامعه یک مسئله باارزش است که باید بررسی شود. باید گفت، یکی از عواملی که می‌تواند نقش بسزایی در جامعه‌پذیری سیاسی ایفا نماید، سرمایه اجتماعی موجود در جامعه است که در اجتماع

کمتر به آن بهاداده می‌شود (فرزانه، طاهری و اطاقسرا، ۱۳۹۰). با پیشرفت روزافزون علم نقش شهروندان و ارتباطات انسانی (سرمایه‌های انسانی) در پیشرفت جامعه بیش‌ازپیش آشکار شده است. در دو دهه اخیر به سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری توجه شده است و نقش سازنده آن‌ها در پیشرفت و عملکرد برتر تأیید شده است (توکلی و همکاران، ۱۳۹۳).

سرمایه‌ی اجتماعی یکی از قابلیت‌ها و دارایی‌های مهم جامعه است که در نظام اجتماعی کشور کمتر به آن پرداخته می‌شود. دانشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه اجتماعی نقش مهمی در جامعه‌پذیری ایفا می‌کند و افراد برای موفقیت باید الگوی خاصی از سرمایه اجتماعی را با توجه به ابعاد آن برای خود ترسیم کنند (تسلیمی و همکاران، ۱۳۹۵). بنا به نظر گوشال (۱۹۹۸) سرمایه اجتماعی به منزله مجموع‌هایی از منابع بالقوه و بالفعلی است که در شبکه روابطی که افراد دارند وجود داشته و قابل دسترسی است و از آن مشتق می‌شود. سرمایه اجتماعی بر تصمیم‌گیری و پذیرش ارزش‌ها تأثیر می‌گذارد و نبود آن در جامعه منجر به عدم ایجاد جامعه‌پذیری می‌شود (شکیبا و همکاران، ۱۳۹۵).

امروزه موفقیت اجتماع را نمی‌توان تنها در انباشت ثروت مادی و تجهیز به آخرین فناوری‌ها ارزیابی کرد، زیرا سرمایه مالی، فیزیکی و انسانی بدون سرمایه اجتماعی فاقد کارایی مؤثر است. سرمایه اجتماعی روابطی است که انسان با کسانی که می‌شناسد برقرار می‌کند؛ یعنی اندازه، کیفیت و گوناگونی شبکه‌های کسب، کار و شبکه‌های ارتباطی شخصی که انسان در آن‌ها نقش دارد. بولن و اونیگس (۱۹۹۸)، سرمایه اجتماعی، ماده خام جامعه مدنی می‌دانند که از میان هزاران کنش متقابل روزانه مردم به وجود می‌آید، لذا میان شخص خاص یا بین ساختارهای اجتماعی قرار ندارند، بلکه در فضای بین مردم وجود دارد. سرمایه اجتماعی، دارایی سازمان، بازار یا دولت نیست، بلکه یک پدیده از پایین به بالاست که با شکل‌گیری پیوندها و شبکه‌های اجتماعی افراد بر مبنای اصول اعتماد، عمل متقابل و هنجارهای کنش به وجود می‌آید. تقویت سرمایه‌های اجتماعی از جمله عوامل مؤثر در ارتقای جامعه‌پذیری است زیرا که بر شاخصه‌های ارتباطات اجتماعی در جامعه تأثیر مثبتی دارند (شکیبا و همکاران، ۱۳۹۵).

باید اشاره کرد اگر سرمایه اجتماعی در جامعه نادیده گرفته شود به ارتباطات و مشارکت اعضای یک جامعه خلل وارد می‌شود و این معضل می‌تواند ارائه آسایش، کیفیت در جامعه‌پذیری سیاسی را دچار اختلال نماید (مددی و همکاران، ۱۳۹۲).

سؤال تحقیق

لذا مسئله این تحقیق این است که رابطه بین سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی در هواداران باشگاه فولاد خوزستان چیست و به بیانی دیگر سرمایه اجتماعی چه نقشی در جامعه‌پذیری سیاسی هواداران باشگاه فولاد خوزستان دارد؟

تعریف مفاهیم و اصطلاحات

در مورد جامعه‌پذیری سیاسی نیز مانند اکثر مفاهیم علوم اجتماعی، تعاریف متعدد و پراکنده‌اند. درواقع، هر تعریفی از چشم‌انداز خاص و به تناسب فرضیه شکل گرفته است که محقق با موضوع روبرو بوده است. مایکل روسکین این جامعه‌پذیری سیاسی را راهی می‌داند که یک جامعه فرهنگ سیاسی خود را دائمی می‌سازد (روسکین، ۲۰۱۲). تعریفی مشابه با تعریف حقوق توسط گابریل آلموند و بینگهام پاول ارائه شده است: جامعه‌پذیری سیاسی روندی است که به وسیله آن فرهنگ‌های سیاسی شکل می‌گیرد، باقی می‌ماند و تغییر می‌کند (آلموند و پاول، ۲۰۱۵). این تعاریف عمدتاً توسط نظریه پردازان فرهنگ سیاسی مطرح شده است و جامعه‌پذیری سیاسی را بر مبنای شکل‌دهی به فرهنگ سیاسی و به مثابه روندی که افراد را وارد فرهنگ سیاسی کرده و جهت‌گیری‌هایشان را نسبت به هدف‌های سیاسی شکل می‌دهد، تعریف می‌کنند (قوام، ۱۳۹۶). تعریف دیگری از جامعه‌پذیری سیاسی آن را فرآیند مستمر یادگیری می‌داند که به موجب آن افراد ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات، به وظایف، حقوق و نقشه‌ای خویش، خصوصاً وظایف سیاسی در جامعه پی می‌برند. در این انتقال تغییرات و یا تعدیل‌هایی نیز صورت می‌پذیرد (قوام، ۱۳۹۶).

۱. Roskin

۲. Almond and Powell

فرد گرینشتاین^۱ دو نوع تعریف از جامعه‌پذیری سیاسی که یکی «محدود» و دیگری «کلی» است ارائه می‌دهد: «القای تعمدی اطلاعات، ارزش‌ها و شیوه‌های عملی سیاسی، به‌وسیله عوامل نهادی که رسماً مسئولیت به آن‌ها داده شده است» و «تمام یادگیری سیاسی رسمی و غیررسمی، عمدی و برنامه‌ریزی نشده، در هر مرحله از دوره زندگی، شامل یادگیری آشکارا سیاسی و هم یادگیری ظاهراً ۲ غیرسیاسی ویژگی‌هایی که از نظر سیاسی ذی‌ربط هستند (راش، ۱۳۹۷). جامعه‌پذیری سیاسی در معنای نخست آن را صرفاً به عملی ارادی و آگاهانه محدود می‌کند، اما در تعریف اخیر، تمایز میان جامعه‌پذیرگیری آگاهانه و عمدی از یک‌سو و اجتماعی شدن ناآگاهانه و محیطی از سوی دیگر نشان داده شده است. مایکل راش نیز با استناد به تعریف وایت از جامعه‌پذیری که آن را «فرایند طولانی و پیچیده‌ای از یادگیری زندگی کردن در جامعه» می‌داند، استدلال می‌کند در زیر این تعریف ظاهراً ساده تضادی عمده بین مفهوم اجتماعی شدن، به مفهوم فرآیندی جبرگرایانه از یک‌سو و اجتماعی شدن به منزله فرآیندی انطباقی از سوی دیگر نهفته است. او با نقد دیدگاه جبرگرایانه از جامعه‌پذیری می‌گوید: آشکار است که افراد زادگان رفتاری والدین، معلمان یا دیگران در جامعه نیستند و اینکه آن‌ها به میزان متفاوت و اغلب قابل توجهی، قادر به نوآوری و تغییر هستند و همچنین اگرچه اجتماعی شدن ممکن است عامل مهمی در تبیین دوام یک جامعه معین باشد - آنچه دیدگاه جبرگرایانه مورد تأکید قرار می‌دهد - اما جوامع هم به دلایل درون‌زا و هم به دلایل برون‌زا می‌توانند، تغییر کنند و تغییر هم می‌کنند (راش، ۱۳۹۷).

این تفاوت در نوع نگاه به جامعه‌پذیری به‌طورکلی، با تمایز چشم‌اندازهای نظریات جامعه‌شناختی کارکردگرا و نظریه کنش متقابل انطباق می‌یابد. درواقع بر اساس رویکرد کارکردگرایانه، جامعه‌پذیری درمعنای محدودی تعریف می‌شود که جامعه تلاش می‌کند از طریق آن خود را دائمی سازد و درنتیجه با اعمال مکانیزم‌های خاص، کنشگران را با قواعد و هنجارهای اجتماعی به گونه‌ای تعمدی و ارادی آشنا می‌سازد؛ اما از دیدگاه کنش متقابل، جامعه‌پذیری فرایندی انطباقی است که افراد درنتیجه تجربه رفتار، نگرش‌ها و عقاید خود را در مورد جامعه و هنجارهای آن تغییر داده و تعدیل می‌کنند.

۱. Fred Greenstein

به نظر می‌رسد واژگان فارسی «اجتماعی کردن» و «جامعه‌پذیری» که معادل socialization هستند به خوبی می‌توانند تفاوت دیدگاه‌های مربوط به تعریف جامعه‌پذیری را نشان دهند. واژه «اجتماعی کردن» به چشم‌انداز جبرگرایی کارکردگرایان که به نقش نهادها و ساختارهای اجتماعی اولویت می‌دهد و واژه «جامعه‌پذیری» با رویکرد «انطباقی» نظریه کنش متقابل که نقش فعالانه کنشگران را مدنظر دارد، همسان است.

تعاریف دیگری از جامعه‌پذیری سیاسی بر اساس نتایج و پیامدهایی که این فرایند، در سطح خرد (برای افراد) و سطح کلان برای (نظام سیاسی) دارد، فضای مفهومی آن را بررسی می‌کنند. در چشم‌انداز خرد، جامعه‌پذیری سیاسی روندی است که افراد هنجارها، عقاید و ارزش‌های جامعه‌ای را که در آن عضو هستند، یاد می‌گیرند. تحقیقات مربوط به جامعه‌پذیری سیاسی فرد به عقاید اشخاص، نحوه برخورد آن‌ها با نظام سیاسی، اطلاعات افراد در مورد نظام و غیره معطوف است. این تعریف درمقابل رویکردی مطرح می‌شود که مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی را در سطح کلان و باتوجه به خصوصیات نظام‌های سیاسی بررسی می‌کند. در این راستا، نتایج جامعه‌پذیری سیاسی برای نظام سیاسی به لحاظ ویژگی‌های مختلف، از جمله نحوه انتقال ارزش‌های سیاسی، استمرار رژیم‌های سیاسی، توسعه رفتارهای مشارکتی و به‌طور کلی درک نظام‌های سیاسی، موردبررسی قرار می‌گیرد (داوسون و همکاران، ۱۳۹۴).

مبانی نظری

تئوری‌های جامعه‌پذیری سیاسی^۱

بحث از نظریات و تئوری‌های جامعه‌پذیری سیاسی به‌طور کلی در چارچوب نظریات «جامعه‌پذیری عمومی» قرار می‌گیرد؛ بنابراین، آنچه تحت عنوان جامعه‌پذیری سیاسی مطرح می‌شود صرفاً بیانگر پیامدها، نتایج و اهداف معطوف به سیاست است که در فرایند این فعالیت رخ می‌دهد. باتوجه به اینکه موضوع جامعه‌پذیری در رشته‌های مختلف و با اهداف خاص نگریسته شده و هر یک از این حوزه‌های مطالعه با مفروضات مخصوص به حوزه علمی خود به آن نزدیک شده‌اند، نظریه‌های مربوط به آن نیز تبعاً متفاوت هستند. روان‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی حوزه‌های علمی مختلف هستند که این مفهوم را موردتوجه قرار داده و درصدد بوده‌اند

۱. Theories of political socialization

تا به طور علمی به تبیین آن پردازند؛ بنابراین زاویه نگاه، مفروضات پایه‌ای و نگرش هستی‌شناسانه آن‌ها به مسئله جامعه‌پذیری متفاوت است.

جامعه‌پذیری سیاسی پدیده‌ای است که مانند سایر پدیده‌های اجتماعی مورد توجه طیف‌های مختلفی از اندیشمندان قرار گرفته است که هر یک به واکاوی و تحلیل این موضوع از منظر سنت و نگرش رشته‌ی علمی خویش و همچنین جهان‌بینی و صورت‌بندی فکری خود پرداخته‌اند. هرچند این موضوع به صورت جدی و به عنوان موضوعی مجزا برای مطالعه بعد از جنگ جهانی دوم و اولین بار در کتاب «اجتماعی شدن سیاست» توسط هربرت هایمن به صورت نظام‌یافته مطرح گشت (راش، ۱۳۸۸: ۱۰۲)؛ و به عنوان موضوعی نسبتاً مستقل در مطالعات علوم اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفت، اما ریشه‌های آن را می‌توان به صورت سنتی به مباحثی که افلاطون در کتاب جمهوری و ارسطو در نوشته‌های خود پیرامون نقش شهروندی نگاشته‌اند، بازگرداند.

گرچه پژوهشگران، پیشینه و ریشه‌های جامعه‌پذیری سیاسی را به صورت کلی و عمومی، در یونان باستان ردیابی کرده‌اند و به مسئله آموزش سیاسی کودکان و ایفای نقش شهروندی که توسط افلاطون و ارسطو مطرح گردیده، اشاره نموده‌اند؛ اما نمی‌توان این توجه غیر منسجم را که به صورت بسیار پراکنده در لابه‌لای تحلیل‌ها و توصیف‌ها به آن اشاره شده است، به عنوان پیشینه و تاریخ به وجود آمدن «جامعه‌پذیری سیاسی» دانست؛ زیرا سؤالات و دغدغه‌هایی که در جامعه‌پذیری سیاسی مطرح می‌گردد، نزد فیلسوفان آن دوره، مطرح نبوده است. سؤالاتی مانند این که: «چرا فرهنگ سیاسی جامعه در زمان حال، شبیه فرهنگ سیاسی پدران و نیکان ما در چند قرن گذشته است؟ یا اصولاً چرا فرهنگ سیاسی یک جامعه دارای شکل کنونی است و شکل دیگری ندارد؟ یا چرا رفتار سیاسی توده‌های مردم در جامعه به صورت کنونی است و به شکل دیگری نیست؟ یا چرا فرهنگ سیاسی جامعه با فرهنگ سیاسی جوامع دیگر تفاوت می‌کند؟ چرا مردم یک جامعه در ارتباط با رهبران سیاسی، نهادها، ساخت‌ها، نمادها و ارزش‌های سیاسی دارای نگرش‌ها و گرایش‌های ویژه‌ای هستند که آن‌ها را از سایر اقوام و ملل متمایز می‌کند؟ (مهرداد، ۱۳۷۶: ۷ و ۸).

افلاطون معتقد است که نظام ارزشی و اعتقادات سیاسی شهروندان بر چگونگی ثبات و نظم نهادهای سیاسی و طرز عملکرد آن‌ها اثر می‌گذارد. از این روی افلاطون فساد موجود و ادواری در نظام سیاسی و نهادها و تشکیلات وابسته به آن‌ها را به کمبودهایی که در آموزش سیاسی وجود

داشت و غفلتی که در این مورد صورت می‌گرفت نسبت می‌داد. با این همه باید پذیرفت که متفکران کلاسیک به موضوع جامعه‌پذیری سیاسی تنها به عنوان یک مسئله جنبی توجه داشتند و به گونه یک موضوع اساسی و عمده به آن نگاه نمی‌کردند. آنچه امروزه در تحقیقات سیاسی تازگی دارد، بررسی اثرات جامعه‌پذیری بر رفتار سیاسی فرد در جامعه است.

نظریه پردازان سیاسی کلاسیک به طور کلی به توده‌ها و تفکرات و عقاید آن‌ها در جامعه توجهی نداشتند. به عبارتی، ایدئولوژی توده‌ها و نقش سیاسی آن‌ها در جامعه و مشارکتی که در امور سیاسی معمول می‌داشتند؛ کلاً به دیده غفلت نگریسته می‌شد، زیرا آنچه برای چنین متفکرانی مهم بود نقش طبقات نخبگان، شاهزادگان و گروه‌های اصیل اجتماعی بود. (مهرداد، ۱۳۷۶: ۲۳-۲۱).

آنچه در آن زمان بیشتر مورد توجه قرار داشت، توجه به بایدها و نبایدهای علم سیاست بود و به آنچه مربوط به «بود» و «هست» می‌شود، توجه نداشتند؛ بنابراین، نمی‌توان تاریخ پیدایش جامعه‌پذیری سیاسی را یونان باستان دانست. باید تاریخ به وجود آمدن آن را در عصرهای بعدی جستجو کرد.

واژه «جامعه‌پذیری سیاسی»^۱ در زیرمجموعه مفهوم کلی «جامعه‌پذیری» یا «اجتماعی شدن» قرار می‌گیرد. نخستین بار واژه جامعه‌پذیری در ایالات متحده در سال ۱۸۹۵ در تحقیقی توسط گنورگ زیمل به صورت یک مفهوم به کار گرفته شد. بعدها پی. اف گیدینگز و پی. دبلیو برجس تحت تأثیر کار زیمل این اصطلاح را در کتاب‌های جامعه‌شناسی پروبال بیشتری دادند (چیلکوت، ۱۳۹۴)، این مفهوم در دهه ۱۹۲۰ توسط انسان‌شناسان و سپس در دهه ۱۹۴۰ توسط جامعه‌شناسان و روانشناسان مورد استفاده قرار گرفت (میدو، ۲۰۱۴). مفهوم جامعه‌پذیری در مواردی با مفهوم « تربیت» یکسان پنداشته شده و هر دو به نوعی دخالت فعال در عرصه زندگی فرد به منظور شکل بخشیدن به آن دلالت داشته‌اند؛ اما همان‌طور که کورت دانزیگر می‌گوید تبدیل واژه «تربیت» به جامعه‌پذیری صرفاً تغییر لغوی نیست بلکه به معنی باز شدن افقی جدید در علم سیاست است. چشم‌اندازی که بیانگر حرکت از حیطه فلسفه اخلاق به قلمرو علوم اجتماعی است. تربیت اساساً در ارزش‌ها، هدف‌ها و فنون توجه دارد در حالی که واژه جامعه‌پذیری به مسئله چگونگی و اثربخشی عنایت می‌کند. در چارچوب مطالعات مربوط به جامعه‌پذیری مسئله روابط فرد بانظم‌های اخلاقی

به طور انتزاعی در نظر گرفته نمی شود بلکه باتوجه به هنجارهای اجتماعی و ارزش های فرهنگی موردبررسی قرار می گیرد (قوام، ۱۳۹۶). آلن بیرو در «فرهنگ علوم اجتماعی» در تعریف این مفهوم می گوید: جامعه پذیری «فرایند تأثیر متقابل بین یک شخص و محیط اجتماعی او را می رساند که نتیجه آن پذیرش مدل های رفتار اجتماعی در آن محیط و پیدایی نوعی انطباق بین فرد و جامعه است. در این معنا، جامعه پذیری فرایندی است روانی - اجتماعی که بر پایه آن شخصیت اساسی تحت تأثیر محیط و مخصوصاً دو نهادهای تربیتی، دینی و خانوادگی تشکیل می یابد» و یا «جامعه پذیری به معنی همسازی و همنوایی فرد با ارزش ها، هنجارها و نگرش های گروهی و اجتماعی است. جامعه پذیری فراگردی است که به واسطه آن فرد دانش ها و مهارت های لازم اجتماعی را برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی کسب می کند. این مفهوم زمانی که به رابطه فرد با هنجارها و ارزش های معطوف به سیاست پیوند یابد در چارچوب جامعه پذیری سیاسی قرار می گیرد (شایان مهر، ۱۳۹۶).

چگونه و چرا یک فرد در جامعه ای خاص، سیاسی می شود؟ چرا یک برد گرایش های و افکار انقلابی و رادیکال می یابد و چرا دیگری محافظه کار می شود؟ چرا یک فرد به چپ و دیگری به راست متمایل است؟ چرا شخصی به نقش فعالانه در تصمیم گیری های سیاسی اعتقاد دارد و دیگری حالت منفعلانه در پیش می گیرد؟ چگونه فردی در جامعه به مشارکت سیاسی پرداخته و سیاست های خاصی را موردحمایت قرار می دهد؟ چه شرایطی باعث می شود که شخصی طرفدار سرسخت اندیشه های اصلاح طلبانه و آزادی خواهانه و دیگری گرایش اقتدارطلبانه پیدا کند؟ این سؤالات بسیاری دیگر از این قبیل، پرسش هایی هستند که رویکرد جامعه پذیری سیاسی مدعی بررسی و مطالبه آن ها است. جامعه پذیری سیاسی مبحثی است که تلاش می کند بنیان ها و ریشه های جهان بینی سیاسی افراد را تبیین کند و در آن به فرایندهای پرداخته می شود که فرد به دان طریق با حیات سیاسی آشنا شده و نسبت به سیاست، نظام سیاسی و نخبگان سیاسی جهت گیری پیدا می کند. به اعتقاد اکثر محققان واژه جامعه پذیری سیاسی برای اولین بار در سال ۱۹۵۹ توسط «هربرت هایمن»^۱ در کتاب او با عنوان «جامعه پذیری سیاسی» مطرح شده است به صورتی که بعد از آن، بررسی و مطالعه

۱. Herbert Hyman

جامعه‌پذیری سیاسی به‌عنوان یک «رشته علمی جدید» به مطالعات علوم سیاسی افزوده شده است (راش^۱، ۱۳۹۷).

سرمایه اجتماعی^۲

جامعه‌شناسان معاصر برای بررسی کمیت و کیفیت روابط اجتماعی در جامعه، از مفهوم سرمایه اجتماعی بهره جسته‌اند (شارعپور، ۱۳۸۰: ۱۰۲) اما سرمایه اجتماعی چیست؟ مفهوم سرمایه اجتماعی را به‌طور کلی می‌توان منابعی تعریف کرد که میراث روابط اجتماعی‌اند و کنش جمعی را تسریع می‌کنند. این منابع که از طریق اجتماعی شدن حاصل می‌شوند، دربرگیرنده اعتماد، هنجارهای مشارکتی و شبکه‌هایی از پیوندهای اجتماعی هستند که موجب گرد هم آمدن افراد به صورتی منسجم و باثبات در داخل گروه به‌منظور تأمین هدفی مشترک می‌شود (زاهدی، ۱۳۸۲: ۲۷۴). جدول زیر برخی از تعاریف سرمایه اجتماعی آمده است:

صاحب‌نظران	تعاریف سرمایه اجتماعی
هنی فن	سرمایه اجتماعی نوعی دارایی افراد در روابط اجتماعی و شامل صداقت، رفاقت، دوستی و احساس همدردی است.
بورديو	سرمایه اجتماعی تراکم منابع واقعی یا بالقوه و حاصل شبکه‌ای بادوام از روابط کم‌ویش نهادینه‌شده از آگاهی و شناخت متقابل یا به‌عبارت دیگر عضویت در یک گروه است.
کلمن	سرمایه اجتماعی تعهدات و انتظارات، کانال‌های اطلاعاتی و هنجارهای اجتماعی است.
شیف	مجموعه‌ای از عناصر ساختار اجتماعی که بر روابط میان مردم تأثیر می‌گذارد و نهادهای تابع تولید یا مطلوبیت را تشکیل می‌دهد.
بارت (bart)	سرمایه اجتماعی از روابط میان دوستان، همکاران و به‌طور کلی از ارتباطات عمومی شکل می‌گیرد و موجب ایجاد فرصت‌هایی برای فرد به‌منظور استفاده از سرمایه مالی و انسانی‌اش می‌شود.

۱. rash

۲. Social capital

پاتنام	سرمایه اجتماعی به مشخصه‌های سازمان اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کند.
اینکلهارت	سرمایه اجتماعی، فرهنگ اعتماد و مداراست که در آن شبکه‌های گسترده‌ی سازمان‌های داوطلبانه می‌روید.
بانک جهانی	سرمایه اجتماعی به نهادها، روابط و هنجارهایی که به کمیت و کیفیت کنش‌های متقابل اجتماعی و جوامع شکل می‌دهند اشاره دارد.

(مأخذ موسوی و علی پور، ۱۳۹۱: ۱۹)

با مرور تعاریف مختلف سرمایه اجتماعی مشخص می‌شود در تعاریف عملیاتی سرمایه اجتماعی می‌توان از مؤلفه‌های زیر استفاده کرد:

- عضویت در شبکه‌ها
- تعامل اجتماعی میان افراد
- هنجارهای اجتماعی
- اعتماد میان افراد
- مشارکت اجتماعی
- همیاری
- حمایت اجتماعی
- همکاری بین افراد
- انسجام اجتماعی
- شرکت در فعالیت‌های جمعی
- آگاهی

افلاطون

افلاطون در کتاب جمهوری بر مسئله‌ی شهروندی و لزوم آموزش کودکان و نوجوانان برای ایفای نقش شهروندی توجه می‌نماید. او به رابطه‌ی میان نظام اعتقادی شهروندان و نظم نهادها و تشکیلات سیاسی باور داشت و همین مسئله میزان اهمیت دادن وی به جامعه‌پذیری سیاسی را نشان

می‌دهد. به عقیده‌ی ایشان عدم تعلیم و تربیت روحی و جسمی مناسب، موجب بر سرکار آمدن افرادی می‌شود که به حیات جامعه و حکومت لطمه خواهند زد (اختر شهر، ۱۳۸۶).

ارسطو

در این حوزه او اولین متفکری بود که به‌صورت جدی برای نظام‌های ارزشی مختلف قوانین و ساخت‌های اساسی سیاسی خاصی را در نظر گرفت و رابطه‌ی مستقیمی را میان این دو موضوع برقرار نمود. به عقیده‌ی وی روش تربیت افراد باید با قانون اساسی هماهنگ باشد تا حکومت‌ها استمرار یابند. (اختر شهر، ۱۳۸۶).

لوسین پای^۱

لوسین پای (۱۹۶۲) نیز برای جامعه‌پذیری سیاسی سه مرحله قائل است: اول، فرایند جامعه‌پذیری پایه؛ در این مرحله، کودک با فرهنگ جامعه آشنا می‌شود و می‌آموزد که چگونه می‌تواند عضو این جامعه شود. در سطح آشکار، این فرایند شامل یادگیری نگرش‌ها، ارزش‌ها، مهارت‌ها، الگوهای رفتاری و دیگر جوانب یک جامعه خاص است. این فرایند در سطح پنهان شامل تمام تجربیاتی می‌شود که به‌طور ناخودآگاه ماهیت فرد را شکل داده، پویایی ساختار شخصیت اساسی را تعیین می‌کنند. در این مرحله، فرد به‌عنوان عضوی از جامعه، هویت می‌یابد و به عبارتی در فرهنگ عمومی خویش، اجتماعی می‌شود. این مرحله، دوران تشخص هویت خوداست که مفهوم هویت فرهنگی نیز در این مرحله تحقق می‌یابد. دوم، جامعه‌پذیری سیاسی؛ بعد از فرایند جامعه‌پذیری پایه، جامعه‌پذیری سیاسی مطرح می‌شود که به‌واسطه آن، فرد نسبت به جهان سیاسی، خودآگاهی یافته، نحوه فهم حوادث سیاسی و نحوه قضاوت در مورد آن‌ها را کسب می‌کند. در این مرحله، فرد فرهنگ سیاسی جامعه را در خود، درونی ساخته، مفهوم هویت سیاسی نیز در همین مرحله تحقق می‌یابد. سوم، فرایند گمارش سیاسی؛ یعنی زمانی که فرد به ورای نقش منفعلانه شهروندی و مشاهده‌گر صرف حرکت کرد. به یک شهروند مشارکت‌کننده فعال تبدیل می‌شود. او در این مرحله بینش عمیق‌تری نسبت به امور سیاسی یافته، به هویتی نهاده‌شده و روشن دست می‌یابد. در یک جامعه پویا، بین این سه فرایند درجه بالایی از پیوستگی و تداوم وجود دارد؛ به‌طوری که هریک

۱. Lucien Pie

دیگری را تقویت می‌کند به هم پیوستگی میان این سه فرایند، سبب برقراری نظم در جامعه می‌شود. در جوامع انتقالی، شرایط کاملاً متفاوت است، به طوری که سه فرایند مذکور فاقد انسجام و به هم پیوستگی هستند. به علاوه، فقدان ثبات و نداشتن گرایش مشخص در فرایند جامعه پذیری پایه، سبب بروز مشکلاتی برای شکل گیری هویت افراد می‌شود. از این رو در مراحل اولیه زندگی، نوعی بحران هویت پایه به وجود می‌آید. (نقل از شارع پور، ۱۳۸۶: ۲۹۱-۲۹۰).

گابریل آلموند

به عقیده‌ی او نظام سیاسی جهت بقای خود به رشد انتظارات حمایتی نیاز دارد و جامعه‌پذیری سیاسی در این میان تضمین کننده‌ی ثبات فرهنگ سیاسی و ساختار جامعه است. به عقیده‌ی آلموند جامعه‌پذیری سیاسی به دودسته‌ی پنهان و آشکار تقسیم می‌گردد و به تشکیل شخصیت سیاسی فرد یاری می‌رساند. این شخصیت سیاسی به ویژه در دوران کودکی شکل گرفته و بسیاری از ویژگی‌های دوران کودکی در طول حیات فرد پایدار می‌مانند. به عقیده‌ی وی شخصیت سیاسی هر فرد در هر مقطع زمانی ترکیبی از احساسات وی و برخی امتیازات و تلفیق آن‌ها به شکل‌های مختلف است که در ژرف‌ترین سطح، هویت‌ها و باورهای اساسی مانند تصور فرد از ملیت، قومیت و طبقه‌ی خویش، باورها و پایبندی‌های مسلکی و مذهبی و بنیادی‌ترین احساسات فرد در مورد حقوق و وظایف خویش در جامعه قرار دارد. در سطح بعدی آگاهی‌ها و اعتقادات آگاهانه‌تری نسبت به ساختار قانونی و سیاسی و ... و در سطح نهایی اعتقادات تحول‌پذیرتری در مورد مسائل سیاسی روز ... قرار دارد. به عقیده‌ی آلموند این که بدانیم جامعه‌پذیری سیاسی فرآیند پایان‌ناپذیری است و در سراسر زندگی فرد استمرار دارد نکته‌ی مهمی است؛ لذا تجربیات و آموخته‌های دوران کودکی فرد تعدیل و تقویت می‌گردند و چه بسا افرادی که تحت تأثیر دوستان، تحصیلات و ...، علقه‌های خانوادگی و اولیه‌ی خود را در عالم سیاست از دست می‌دهند و دچار جامعه‌پذیری سیاسی دوباره (مجدد) می‌گردند. جامعه‌پذیری سیاسی کانالی برای انتقال فرهنگ، باورها و اندیشه‌های یک نسل به نسل دیگر (فرهنگ سیاسی) است و ممکن است تحت تأثیر تحولات و انقلابات سیاسی و فرهنگی به کانالی برای تغییر فرهنگی یک نسل نیز تبدیل شود (مهرداد، ۱۳۷۶، ۱۰-۹).

آدورنو^۱

آدرنو و همکارانش که در مورد پدیده «ضد سامی» تحقیق می‌کردند، مدعی شدند که این پدیده قسمتی از علائم شخصیتی است که آن‌ها، آن را شخصیت اقتداری نامیدند. تعدادی از شخصیت‌های مدنظر او به شرح ذیل است:

- [۱] شخصیت‌هایی که گرایش غالب در آن‌ها به‌سوی انقیادپذیری است.
 - [۲] شخصیت‌هایی که گرایش غالب در آن‌ها به‌سوی برتری‌طلبی است.
 - [۳] شخصیت‌هایی که حساس به روابط قدرت می‌باشند.
 - [۴] شخصیت‌هایی که تمایل به درک جهان در ساخت سنتی آن دارند.
 - [۵] شخصیت‌هایی که تمایل به تصورات کلیشه‌ای دارند.
 - [۶] شخصیت‌هایی که تمایل به خرافات دارند.
 - [۷] شخصیت‌هایی که دید بدبینانه نسبت به طبیعت انسان دارند. (ایمان، ۱۳۸۵: ۷۵)
- آن‌ها شخصیت اقتداری را چنین تعریف کردند «سخت‌خواه انطباق خویش با عرف و سنت است. کورکورانه از نظام‌های ارزشی متعارف پیروی می‌کند. مطیع و وفادار قدرت‌هاست. دیدی سطحی از یک جهان اجتماعی و اخلاقی دارد که به مقوله‌هایی کاملاً متمایز نیک و بد، سیاه و سفید، آدم‌های خوب و بد تقسیم شده است. دنیایی که روشن، منظم و دارای حدودمرز است و در آن قدرتمندان شایستگی فرمان راندن هستند، زیرا در زمره بهترین افرادند و ضعیفا باید زیردست باشند.»
- باتوجه به این ویژگی‌ها، شخصیت‌های اقتدارطلب در دوران آرامش که نظم اجتماعی تهدید نمی‌شود، به عضویت احزاب محافظه‌کار درمی‌آیند. ولی اگر نظام اجتماعی در معرض خطر جدی واقع شود تجاوزطلبی آنان خودبه‌خود تشدید می‌شود و آنان را به‌سوی نهضت‌های فاشیستی می‌راند. روان‌شناسان مدعی شده‌اند ریشه این نوع شخصیت‌ها را باید در سوابق فرد در دوران کودکی جستجو کرد و از اینجاست که بحث جامعه‌پذیری افراد در دوران کودکی مطرح می‌شود. باین‌حال باید گفت: شواهد قابل‌ملاحظه‌ای در ارتباط میان الگوهای ابتدایی جامعه‌پذیری فرد و نوع خاص شخصیت سیاسی او وجود دارد. (افندی، شبستری، ۱۳۷۹: ۹۷). (ارتباط بین جامعه‌پذیری فرد در دوران کودکی و شکل‌گیری رفتار سیاسی)

دیدگاه رابرت دوز و مارتین لیپست^۱

به نظر لیپست کشورهایی که به همراه رشد اقتصادی از طبقه متوسط بالاتری برخوردار باشند دموکراتیک‌تر از کشورهایی هستند که این زمینه در آن‌ها کمتر می‌باشند. او در این رابطه به ویژگی‌های طبقه متوسط به‌عنوان مؤلفه‌های مثبت برای توسعه دموکراتیک اشاره دارد. لیپست و دوز در تجزیه و تحلیل رفتار سیاسی و مشارکت مردم در کشورهای آمریکا و کانادا، بریتانیا و استرالیا بر عوامل و متغیرهایی تأکید می‌ورزند که به اعتقادشان بر مشارکت سیاسی تأثیر مهمی دارد ولی شدت و الگوی این تأثیرگذاری ثابت نبوده است. مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از: باورهای مذهبی، جنسیت، سن، نژاد، روستایی یا شهری بودن افراد، طبقه اجتماعی و پیوندهای منطقه‌ای. از نظر آنان در کشورهای فوق به‌جز آمریکا، عواملی مانند سن و جنسیت از جمله متغیرهای مؤثر بر مشارکت سیاسی مهم می‌باشند. همان‌طور که گفته شد شدت تأثیرگذاری عوامل مذکور در همه کشورها به یک اندازه نبوده و نمی‌توان به یک الگوی چندان ثابتی در رفتار مشارکتی شهروندان در آن دست یافت به‌عنوان نمونه بین موقعیت‌های اجتماعی افراد جامعه و پنداشته‌های سیاسی و گرایش‌های عقیدتی و حزبی آنان رابطه ثابتی وجود ندارد، به‌طوری‌که بسیاری از افرادی که وضعیت اقتصادی مطلوبی ندارند، در فعالیت‌های سیاسی به نفع احزاب محافظه‌کار و افراد سرمایه‌دار رأی می‌دهند و برعکس (لیپست و دوز، ۱۳۷۳: ۳۹۶). لیپست با بیان ارتباط بین توسعه اقتصادی و دموکراسی معتقد است میزان رفاه و توسعه اقتصادی کشورها را می‌توان به‌صورت عامل مهمی برای توسعه‌یافتگی سیاسی و دموکراسی در نظر گرفت. به نظر او همه شاخص‌های توسعه اقتصادی مانند ثروت، صنعتی شدن و شهرنشینی و تحصیلات چنان باهم مرتبط هستند که تشکیل یک عامل واحد می‌دهند و این عامل درجه همبستگی بالایی با دموکراسی دارد (سو، ۱۳۷۸: ۶۶)؛ و این بخش از مطالعات لیپست در سطح کلان و در سطح کشورها مطرح است. بخش دیگری از تحقیقات لیپست در کتاب او با عنوان انسان سیاسی آمده است. وی با استفاده از یافته‌های آماری در خصوص ویژگی‌های اجتماعی رأی‌دهندگان و مشارکت‌کنندگان در فعالیت‌های سیاسی و طبقه‌بندی آن‌ها به دو گروه (مشارکت بالا و پایین) به تدوین قواعد عام در زمینه علل شرکت در انتخابات می‌پردازد؛ و عامل اجتماعی

۱. Rabert Dowz & Martin Lipset

مورد بررسی لیست عبارت‌اند از درآمد، تعلیم و تربیت، نژاد، جنس، اقامت، شرایط اجتماعی، تأهل، عضویت در سازمان است (لیست، ۱۹۸۴: ۱۸۴). (اشاره به تأثیر عامل جنسیت به عنوان متغیرهای مهم و مؤثر بر مشارکت سیاسی)

دیوید ایستون^۱

از ابتدای دهه هفتاد میلادی بررسی‌های دانشمند علم سیاست دیوید ایستون منتشر گردید که با همکاری برخی روانشناسان معاصر نظیر هس و تورنی به شکلی میدانی جامعه‌پذیری سیاسی در ایالات متحده آمریکا می‌پرداخت. آن‌ها در تلاش برای طراحی نمونه‌ای نظری به جهت مطالعه جامعه‌پذیری سیاسی کودکان و دانش آموزان بودند و آن را در چهار مرحله به شرح ذیل تبیین نمودند:

مرحله اول: مرحله سیاسی^۲ شدن که در این مرحله کودک به رشد سیاسی یا کوشش در جهت شناخت عرصه سیاست نائل می‌آید.

مرحله دوم: مرحله تشخیص و بازشناخت^۳ است؛ این مرحله زمانی آغاز می‌گردد که فرد در اصطکاک با نظام سیاسی قرار گرفته و برخی از نمونه‌ها و اشکال سلطه سیاسی یا سلطه در معنی عام را درمی‌یابد.

مرحله سوم: مرحله مثالی^۴ که در این مرحله فرد گرایش به صدور احکام ارزشی در اسلوب‌های معینی می‌نماید و در پرتو اسلوب‌های مثالی فوق به سلب یا ایجاب به قضاوت در خصوص اشکال سلطه و سیاست در حال جریان به شکل یک کل می‌پردازد؛

مرحله چهارم: مرحله تحول به سمت نهاده شدن است که در آن از مرحله ادراک برخی از اشکال مطروحه سیاسی فراتر رفته و در خصوص تمامی اجزای تشکیل‌دهنده نظام سیاسی به قضاوت ارزشی می‌نشینند....

۱. David Easton

۲. □□□□□□□□□□□□□□□□

۳. □□□□□□□□ □□□□□

۴. □□□□□□□□□□ □□□□□

هس و تورنی^۱

از جمله افرادی که جامعه‌پذیری سیاسی را از زاویه یادگیری ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها مدنظر قرارداد؛ هس و تورنی بودند. تورنی در تحقیق خود به این نتیجه رسید که تمایلات و آمادگی‌های روانی لازم برای یادگیری سیاسی تا سنین ۱۳-۱۲ سالگی به‌خوبی در افراد تثبیت می‌شود. آن‌ها در چهار مدل برای جامعه‌پذیری سیاسی ارائه دادند: مدل انباشت، مدل همانندی، انتقال نقش، مدل شناختی-رشدی. این چهار مدل بیانگر فرایندهایی است که در شرایط خانواده، محیط مدرسه و به‌طور کلی جامعه بر اکتساب دانش سیاسی و نگرش مدنی افراد تأثیر می‌گذارند. (اختر شهر، ۱۳۸۶: ۷۲-۸۰).

مایکل راش^۲

مایکل راش متغیر و فرایندهایی که به اجتماعی شدن سیاسی کمک می‌کنند را به‌صورت یک مدل نشان می‌دهد. در این مدل وی به عوامل اجتماعی شدن مثل خانواده، گروه‌های همسالان، رسانه‌های همگانی، گروه‌های کار، گروه‌های مذهبی اشاره می‌کند که فرایند اجتماعی شدن از طریق آن‌ها صورت می‌گیرد (راش، ۱۳۸۳: ۱۰۷).

دیدگاه‌های نظری سرمایه اجتماعی

چهار دیدگاه نظری مطرح شده در رابطه با سرمایه اجتماعی به شرح زیر است:

دیدگاه نظری مبتنی بر اجتماع محلی

اولین نظریه سرمایه اجتماعی نگاه اجتماع محلی گرا نام دارد. گروهی که به طرفداران نگاه اجتماع محلی گرا معروف شده‌اند، تعداد و تراکم سازمان‌های غیررسمی فعال اجتماع محلی را مهم‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی می‌دانند برای این گروه تعداد باشگاه‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی فعال در اجتماع مدنی از یک‌سو، تعداد اعضای آن‌ها، نوع و وسعت فعالیت افراد عضو از سوی دیگر، اهمیتی اساسی دارند. بدیهی است که طرفداران این نظریه، سرمایه اجتماعی را مثبت تلقی می‌کنند و هر چه تعداد سازمان‌ها و اعضای آن را بیشتر باشد، آن را امری خوش‌آیند به حساب می‌آورند.

۵. □□□□□ □□□□□

۱ □□□□□□□ □□□□□

دیدگاه شبکه‌ها^۱

دیدگاه دوم یا دیدگاه شبکه‌ها و رابطه آن با سرمایه اجتماعی، بر جنبه‌های مثبت و منفی سرمایه اجتماعی می‌پردازد و بر اهمیت انجمن‌های موجود بین مردم که حالتی افقی یا عمودی دارند، تأکید دارد و روابط اجتماعی درون و بیرون سازمان‌ها، گروه‌های اجتماع محلی و شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و صنعتی را بررسی می‌کند. نتایج تحقیقاً گرانوورتر^۲ (۱۹۷۳) نشان داد که روابط درونی اجتماع محلی و پیوندهای بین اعضای این گونه اجتماعات به خانواده‌های عضو و کل اجتماع محلی حس هویت و احساس تعلق بالا و درنهایت هدفی مشترک می‌بخشد. درعین حال، متفکران دیدگاه شبکه‌ها به‌خوبی به این نکته پی برده‌اند که در جوامع چند قومی، چند مذهبی و چند فرهنگی که هر اجتماع محلی در درون خود پیوندهای درونی مستحکمی دارد، همان متغیرهای اجتماعی توجیه‌کننده جوامع با بافتی از جنبه‌های گوناگون، می‌توانند به بنیاد و پایه‌ای بدل شوند که پیوندهای افقی اعضای هر اجتماع محلی را به دنبال کردن خودمحورانه منافع خود ترغیب کنند و از این راه به سرمایه اجتماعی کلی آن جوامع صدماتی جدی وارد سازند. پیروان نظریه شبکه‌ها در سرمایه اجتماعی، بزرگ‌ترین مزیت شبکه‌های اجتماعی را توانمندی آن‌ها در توسعه کلی و توسعه اجتماعات محلی می‌دانند. درنهایت می‌توان نتیجه گرفت که دیدگاه شبکه‌ای، سرمایه اجتماعی را در قالب‌های سرمایه اجتماعی درون گروهی و سرمایه اجتماعی برون گروهی معرفی می‌کند (اسدالله هزاوه، ۱۳۹۵: ۷۳-۷۴).

دیدگاه نهادی

سومین نظریه سرمایه اجتماعی از دیدگاه ولکاک، نظریه نهادی^۲ است. بر اساس این نظریه، ثمربخش بودن شبکه‌های اجتماع محلی و جامعه مدنی محصول محیط سیاسی، حقوقی و نهادی است. درحالی‌که نظریه اجتماع محلی محور و نظریه شبکه‌ها عمده سرمایه اجتماعی را متغیری مستقل می‌دانند که به نتایج گوناگون، چه مثبت و چه منفی جان می‌بخشد، نظریه نهادی سرمایه اجتماعی را متغیری وابسته و کیفیت نهادهای رسمی را متغیر مستقل در نظر می‌گیرد. در این دیدگاه، اساساً تحلیل جامعه و تحولات آن در بستر نهادها امکان‌پذیر است ظرفیت گروه‌های اجتماعی فی‌نفسه برای کنش اجتماعی، آن‌هم در جهت منافع جمعی آن را به کیفیت نهادهای رسمی که

^۱ Network view

^۲ Institutional view

گروه‌های اجتماعی تحت لوای آن را به حیات خود ادامه می‌دهند، بستگی تام و تمام دارد. به‌طور کلی می‌توان عنوان کرد که این دیدگاه بیشتر بر پیوندها و شبکه‌های عمودی یا سرمایه اجتماعی ارتباطی تأکید دارد (میر اسدالله هزاوه، ۱۳۹۵: ۷۵).

دیدگاه هم‌افزایی^۱

نظریه هم‌افزایی، اشتراک مساعی یا نظریه تلفیقی، ترکیب دو نظریه شبکه‌ها و نظریه نهادی و اراده سنتی از آن است و به‌سوی آن ره می‌سپرد، زیرا چنین سنتی را پادزهر فرقه پرستی، جناح‌گرایی، انزواطلبی و فساد تلقی می‌کند که در اثر جهانی‌سازی به‌شدت رواج می‌یابد و جهان را به نابودی می‌کشاند. آنگاه که سنتز یادشده فعال شود، روابط متقابل اجتماعی که شکل‌دهنده شبکه‌های اجتماعی مندرج در نهادهای اجتماعی به‌عنوان جزئی از اجزای درهم تنیده ساختار اجتماعی است، از قیود خودساخته انسان نوشت رهایی می‌یابند (میر اسدالله هزاوه، ۱۳۹۵: ۷۷).

نقش سرمایه اجتماعی در جامعه‌پذیری سیاسی

نحوه مدیریت منابع در دسترس یک ملت به کیفیت نهادها و ساختار انگیزشی هدایت‌کننده منابع مذکور بستگی دارد (برانر، ۲۰۱۷). درواقع پیشبرد فرایند جامعه‌پذیری سیاسی و درنتیجه موفقیت در کارایی مدیریت منابع در هر جامعه‌ای مستلزم سطح قابل قبولی از سرمایه اجتماعی است. از سوی دیگر مهم‌ترین مرجع پیشبرد فرایند جامعه‌پذیری سیاسی به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، نظام سیاسی و نهادهای وابسته به آن مانند دانشگاه است؛ بنابراین وجود نظام سیاسی دوستدار سرمایه اجتماعی و سازگار با آن برای شکوفایی و آبادانی جامعه اساسی خواهد بود. سرمایه اجتماعی در عین تأثیرگذاری بر نظام سیاسی و نهادهای وابسته به آن به‌شدت از عملکرد آن متأثر می‌شود؛ بنابراین هر اقدام نظام سیاسی و نهادهای آن سرمایه اجتماعی را می‌تواند به‌گونه‌ای مثبت یا منفی تحت تأثیر قرار دهد. به‌عنوان مثال اعتماد به‌مثابه بخشی از سرمایه اجتماعی و شاید مهم‌ترین و اساسی‌ترین بخش آن نشانگر آمادگی بالقوه شهروندان برای همکاری با یکدیگر و نیز آمادگی آن‌ها برای وارد شدن در کوشش‌های مدنی هستند (روتستاین و استول، ۲۰۱۶).

اعتماد عمومی که ناظر به وجود اعتماد در کلیت جامعه است، پیش‌برنده موفقیت‌آمیز فرایند جامعه‌پذیری سیاسی است و درنتیجه بر مشارکت سیاسی و مدنی می‌افزاید و بر پایداری افراد به

^۱ Synergy view

تعهداتشان اضافه می‌کند (وارن، ۲۰۱۷)؛ بنابراین زمانی که گفته می‌شود سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای بالاست، منظور این است که از یک سو حس اعتماد عمومی و همکاری دوسویه به‌ویژه در امور پسندیده از نظر اجتماع، در میان اعضای آن و نیز پابندی به قراردادهای و تمایل به حفظ قول و قرارها بالا باشد و از سوی دیگر روحیه فرصت‌طلبی و سواری مجانی گرفتن در میان اعضای آن جامعه اندک است، به گونه‌ای که کنش‌های اجتماعی با کمترین هزینه ممکن می‌شود. سرمایه اجتماعی سنگ بنای جامعه مربع و نظام سیاسی کارآمد و موفق در پیشبرد فرایند جامعه‌پذیری سیاسی است و در سایه حفظ، تقویت و انباشت این منبع ارزشمند است که جامعه می‌تواند از دستاوردهای توسعه و حکمرانی خوب بهره‌مند شود. از این رو نظام سیاسی و نهادهای ذی‌ربط آن نه فقط باید پیامد اقداماتش را بر سرمایه اجتماعی ارزیابی کند، بلکه لازم است همواره محیط اجتماعی اعتیادآوری را هم فراهم آورد که اعتمادپذیری، تمایل به حفظ و عمل به هنجارها، تمایل به همکاری و همیاری و وارد شدن در شبکه‌های اجتماعی به مثابه شاخص‌های عمده سرمایه اجتماعی در این مقوله را برای اعضای جامعه سودمند و معنادار سازد. مهم‌ترین نکته مهم مغفول در سرمایه اجتماعی، هم‌چنانکه (لویی، ۲۰۱۶)؛ و (تندلر، ۲۰۱۷). اشاره می‌کنند، نقش دولت و نهادهای سیاسی و یا دارای کارکردهای سیاسی در ترویج انجمن‌های افقی و فعالیت‌های متناظر با آنهاست. «فولی و ادواردز» پیشنهاد می‌کنند که پانام اهمیت جایگاه سازمان‌های سیاسی را در ایجاد انجمن‌هایی که او بر آنها تکیه می‌کند؛ نادیده می‌انگارد و سایر اشکال مشارکت مدنی در آمریکا را تا آنجا مقبول می‌گذارد که سیاست به معنای دقیق کلمه به‌طور کامل در معرض حذف قرار می‌گیرد. آن‌ها مشاهده می‌کنند که فعالیت‌های اجتماعی و نهادهای سیاسی یا می‌تواند پشتیبان دولت مطلوب باشد یا چنان ابزار ایستادگی در برابر یک دولت سرکوبگر عمل کند (فولی و ادواردز، ۲۰۱۵). همان‌گونه که پیش‌تر اشاره گردید سرمایه اجتماعی نقش قابل ملاحظه‌ای در بهبود عملکرد دولت و نهادهای معطوف به آن از جمله دانشگاه در پیشبرد برآیند جامعه‌پذیری سیاسی مخاطبان و به‌طور کلی توسعه سیاسی جامعه دارد. دولت‌ها و نهادهای بهره‌مند از سطوح بالاتر ذخیره سرمایه اجتماعی از دستاوردهای بیشتری در این زمینه بهره‌مند خواهند شد؛ بنابراین در صورت تحلیل رفتن چنین سرمایه ارزشمندی در درون یک نهاد، دستیابی به اهداف کمی و کیفی از جمله موفقیت در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی با شکست روبرو می‌گردد (وایتلی، ۲۰۱۶).

پیشینه تحقیق

جدول ۱: خلاصه تحقیقات داخلی

محقق	عنوان	یافته‌های تحقیق
خرم‌شاد و همکاران (۱۳۹۸)	اعتماد نهادی، دانشگاه‌های دولتی و جامعه‌پذیری سیاسی در جمهوری اسلامی ایران	بررسی یافته‌های آماری مربوط به مطالعه موردی این مقاله نشان داد که با افزایش سطح اعتماد نهادی در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران میزان اثربخشی آن‌ها بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان مقطع کارشناسی افزایش می‌یابد.
محمدی (۱۳۹۷)	نقش سرمایه اجتماعی بر جامعه‌پذیری سیاسی در کارکنان	واریانس جامعه‌پذیری سیاسی بر اساس سرمایه اجتماعی به شکل معناداری پیش‌بینی می‌شود و مشخص شد که سرمایه اجتماعی با جامعه‌پذیری سیاسی رابطه مستقیمی دارد.
کاو (۱۳۹۷)	رابطه عدالت‌سازمانی و سرمایه اجتماعی با جامعه‌پذیری سیاسی	بین عدالت‌سازمانی و سرمایه اجتماعی با جامعه‌پذیری سیاسی رابطه مثبتی وجود دارد و بین عدالت‌سازمانی، سرمایه اجتماعی با جامعه‌پذیری سیاسی رابطه چندگانه معناداری وجود دارد و سرمایه اجتماعی پیش‌بین معناداری برای جامعه‌پذیری سیاسی شدند.

کاردی (۱۳۹۶)	بررسی رابطه سبک رهبری و سرمایه اجتماعی با جامعه‌پذیری	سرمایه اجتماعی با جامعه‌پذیری رابطه مثبت معناداری وجود دارد و سرمایه اجتماعی قادر به پیش‌بینی جامعه‌پذیری است.
ایور، هژار و راد، فیروز (۱۳۹۶)	تعیین رابطه بین میزان گرایش به دموکراسی و جامعه‌پذیری سیاسی	نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها حکایت از تأیید فرضیه‌های اصلی تحقیق دارد که بین میزان جامعه‌پذیری سیاسی و میزان گرایش به دموکراسی رابطه معنی‌داری وجود دارد و میزان گرایش به دموکراسی و جامعه‌پذیری سیاسی در حد متوسط به بالاست. همچنین عوامل اجتماعی از جمله مشارکت سیاسی، آگاهی سیاسی، قوم‌گرایی و انسجام سیاسی با میزان گرایش به دموکراسی رابطه معنی‌داری دارند و تنها رابطه اعتماد سیاسی با میزان گرایش به دموکراسی تأیید نشده است.
حمیدی (۱۳۹۶)	بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و حمایت اجتماعی با جامعه‌پذیری سیاسی	سرمایه اجتماعی در افراد با جامعه‌پذیری سیاسی رابطه مثبت معناداری دارد و سرمایه اجتماعی به‌طور معناداری جامعه‌پذیری سیاسی را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۲: خلاصه تحقیقات خارجی

محقق	عنوان	یافته‌های تحقیق
------	-------	-----------------

ویدیامز و همکاران (۲۰۱۹)	رابطه سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی	سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی همبستگی معناداری دارد
دورتنی و همکاران (۲۰۱۸)	چشم‌انداز هزینه رسانه‌های اجتماعی سازمانی و جامعه‌پذیری سازمانی	برای بررسی عمیق چگونگی تأثیرگذاری رسانه‌های اجتماعی در جامعه‌پذیری، ما از تئوری ارزش‌قیمت فناوری برای کشف قیمت‌های مختلف درجه یک و درجه دوم که توسط گروه‌های مختلف بازیگر و نتایج مختلف ناشی از این حقایق کشف می‌شود، استفاده می‌کنیم. سپس ما پنج سازوکار تولیدی - دور زدن بوروکراسی، چشم‌انداز اجرایی، پیشرفت شخصی، شناخت نام و تقویت‌کننده روحیه را شناسایی می‌کنیم که توضیح می‌دهد که چگونه واقعی شدن رشته‌های مختلف هزینه توسط گروه‌های مختلف کاربران هشت نتیجه متفاوت را تولید می‌کند.
جوناوارا و ای‌بودولوف (۲۰۱۷)	جامعه‌پذیری سیاسی زنان در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی	در این مقاله به مسئله اجتماعی شدن زنان در سیستم سیاسی، ارزش‌های فرهنگی و روابط و نقش زنان در زمینه‌های اجتماعی پرداختند. در این مقاله به جامعه‌پذیری زنان در شرایط سیاسی اشاره شده است. همچنین نقش رهبری زنان و تلاش آن‌ها در رسیدن به اهداف سیاسی به تفصیل شرح داده شده

است. اهمیت نقش زنان در یک وضعیت عمیق بحران سیاسی بسیار پراهمیت است.		
در این تحقیق به چندین عامل تأثیرگذار جامعه‌پذیری که بر روی اشتغال سیاسی و مشارکت سیاسی ۱۳ و ۱۴ ساله و ارتباط بین اشتغال سیاسی و مشارکت سیاسی دانش آموزان توجه کرده است. عامل‌های مهم مشارکت سیاسی خانواده و همسالان به عنوان عوامل اولیه و مدرسه و رسانه به عنوان عوامل ثانویه هستند. بر طبق نتایج تحقیق عوامل اولیه نسبت به عوامل ثانویه تأثیر بیشتری بر جامعه‌پذیری دانش آموزان داشته‌اند که این امر نشان می‌دهد که از عوامل ثانویه غفلت شده است.	جامعه‌پذیری سیاسی به عنوان عاملی برای اشتغال سیاسی و مشارکت سیاسی	شوارزر (۲۰۱۱)
نتایج تحقیقی نشان می‌دهد که برنامه‌های آموزش مدنی در زامبیا تحت تأثیر متغیرهای دیگری چون میزان استفاده از رسانه‌ها، تحصیلات، می‌تواند بر فرهنگ سیاسی مؤثر باشد. (عوامل مؤثر بر فرهنگ سیاسی زیرا جامعه‌پذیری سیاسی و یا به تعبیر دیگر فرهنگ پذیری سیاسی، همان انتقال فرهنگ سیاسی از نسلی به نسل دیگر است).	تأثیرات آموزش مدنی (جامعه-پذیری از طریق گروه‌های اجتماعی)	براتون، آلدرفر، بوو سر و تمبا (۱۹۹۹)

در یک بررسی جامع دریافته‌اند که کودکان در کسب دیدگاه‌ها و نگرش‌های سیاسی، چهار مرحله را طی می‌کنند؛ آنان نخستین مرحله را مرحله سیاسی شدن نام نهاده‌اند؛ در این مرحله کودکان از وجود شخصیت‌ها و مؤسسات قدرتمند دیگری غیر از والدین بستگان بزرگسال و معلمان خویش و از برخی اشکال قدرت با عنوان حکومت و قوانین آگاه می‌شوند. استون و دنیس مرحله دوم را مرحله تفکر درباره مراجع قدرت سیاسی نامیده‌اند؛ سومین مرحله جامعه‌پذیری سیاسی، مرحله آرمان‌گرایی نام گرفته است؛ آخرین مرحله رشد جامعه‌پذیری سیاسی مرحله نهادگرایی است.	دیدگاه‌ها و نگرش‌های سیاسی	دنیس و استون (۱۹۶۹)
--	-----------------------------------	----------------------------

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق به موضوع، امکانات و اهداف تحقیق بستگی دارد. در تحقیق حاضر از روش پیمایشی استفاده شده است. مطالعه‌ی حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ سطح تحقیق، تبیینی؛ و به لحاظ معیار زمان، مقطعی و به لحاظ معیار ژرفایی، پهنانگر است.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی هواداران باشگاه فولاد خوزستان ۱۸ تا ۶۵ سال شهر اهواز است. دلیل انتخاب این رده سنی آن بوده است که جمعیت ۱۸ سال با بالا به لحاظ آشنایی با مسائل سیاسی که هر شهروند باید از آن برخوردار باشد، انتظار می‌رود از یک سطح شناخت نسبی برخوردار باشند.

تعداد حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران مشخص شده که باتوجه به فرمول ۳۸۵ نفر تعیین شده است.

$$n = \frac{\frac{(t)^2 * p * q}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{(t)^2 * p * q}{d^2} - 1 \right)}$$

$$n = \frac{\frac{(1/96)^2 * 0/5 * 0/5}{(0/05)^2}}{1 + \frac{1}{797837} \left(\frac{(1/96)^2 * 0/5 * 0/5}{(0/05)^2} - 1 \right)} = 382.97$$

شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق، به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. این روش برای به دست آوردن نمونه نهایی، مستلزم چندین مرحله نمونه‌گیری است. روال اصلی کار بوده است که در مرحله اول، جامعه مورد مطالعه به چند منطقه اصلی تقسیم شده و سپس از درون مناطق بزرگ، به طور تصادفی، تعدادی نواحی انتخاب شده است و سرانجام از درون این نواحی، تعداد محله به طور تصادفی انتخاب شدند و سپس تعدادی بلوک‌های ساختمانی به شکل کاملاً تصادفی انتخاب و به نمونه مورد مطالعه می‌رسید. بر همین اساس بر اساس تقسیم‌بندی شهرداری اهواز که کل شهر را به ۸ منطقه تقسیم‌بندی کرده است ۳ منطقه و از هر منطقه ۲ ناحیه و از نواحی انتخاب شده ۳ محله از هر کدام به طور تصادفی انتخاب شدند لذا با به کار بردن نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، می‌توان یک نمونه معرف را انتخاب کرد و دقت برآورد مورد نظر را افزایش داد (سرمد و بازرگان، ۱۳۸۰: ۱۸۶).

باتوجه به ماهیت موضوع، ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. سؤالات پرسشنامه تحقیق بر اساس چهارچوب نظری تحقیق، مفاهیم و متغیرهای به کاررفته در فرضیه‌های تحقیق و با بازبینی پرسشنامه‌های تحقیقات مشابه که در داخل و خارج از کشور انجام گرفته، طراحی شده است..

تعریف نظری و عملیاتی متغیر وابسته (جامعه‌پذیری سیاسی)

جهت‌گیری‌های افراد به نظام سیاسی (فرهنگ سیاسی) شامل سه جزء است. جزء اول شناختی به معنای اطلاع، اعم از دقیق یا غیردقیق از نظام سیاسی است. جزء دوم جهت‌گیری‌های نفسانی یا عاطفی به معنای احساس وابستگی، دخالت و طرد و امثال آن راجع به موضوعات سیاسی است و جزء سوم جهت‌گیری‌های ارزشی، به معنای قضاوت راجع به موضوعات سیاسی است (Verba

۱۹۶۳: ۱۳ and Almond) در این پژوهش برای سنجش جهت گیری ارزیابانه افراد از مؤلفه های ارزیابی و قضاوت سیاسی، رضایتمندی سیاسی، اعتماد سیاسی، نگرش به دموکراسی و مشارکت سیاسی استفاده شده است (خانیک و سرشار، ۱۳۹۱: ۱۰۶-۱۰۵)؛ و همچنین مؤلفه های جهت گیری احساسی در قالب افتخار و غرور سیاسی، احساس عدالت، احساس امنیت سیاسی و احساس بی قدرتی سیاسی در نظر گرفته شده است (خانیک و سرشار، ۱۳۹۱: ۱۰۵-۱۰۴).

سرمایه اجتماعی

برای سنجش سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از متغیرهای مستقل تحقیق از شاخص اعتماد اجتماعی و همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی استفاده شده است. برای سنجش این شاخص ها از گویه های مرتبط و در قالب طیف لیکرت استفاده شده است.

اعتبار^۱ و پایایی^۲

در این تحقیق، از اعتبار صوری استفاده شده است. به همین منظور، در ابتدا سعی شد برای انتخاب گویه هایی که متغیرهای تحقیق را می سنجد از گویه های تحقیقات پیشین که زیر نظر اساتید مجرب، استفاده و اجرا شده اند استفاده کنیم و یا برای انتخاب بهترین گویه ها برای متغیرهای جدید از نظرات محققین و اساتید با تجربه بهره جوییم. سپس در نهایت، یک بار دیگر پرسشنامه ی تدوین شده را به اساتید و متخصصان نشان داده و از نظرات آن ها برای تصحیح پرسشنامه کمک گرفتیم. بدین ترتیب می توان گفت پرسشنامه این تحقیق از اعتبار صوری برخوردار است. پایایی، دقت در سنجش است. پایایی این سؤال را مطرح می کند که اگر به صورت مکرر چیزی را بسنجیم تا چه حد امکان دارد که نتیجه یکسان باشد (به شرط اینکه چیزی تغییر نکرده باشد). پایایی با ثبات شامل استفاده از همان معرف، همان تعریف و همان نحوه جمع آوری برای هر دفعه است (چلبی، ۱۳۸۴). در تحقیق حاضر برای پایایی گویه های پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است که آلفای کرونباخ آن ۰/۷۸ نشان داده شد.

^۱ validity

^۲ reliability

یافته‌های پژوهش و تحلیل

آمار توصیفی

جدول ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت

درصد	فراوانی	*	
۴۷/۷۹	۱۸۴	زن	جنسیت
۵۲/۲۱	۲۰۱	مرد	
۰/۱۰۰	۳۸۵	کل	

باتوجه به نتایج جدول فوق ۱۸۴ نفر از پاسخگویان معادل ۴۷/۷۹ درصد را زنان و ۲۰۱ نفر معادل ۵۲/۲۱ درصد را مردان تشکیل داده‌اند.

سن

جدول زیر نشان‌دهنده‌ی توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس سن آنان است. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌کنید، طبق جدول فراوانی ۱۰۵ نفر به عبارتی ۲۷/۲۷ درصد از افراد موردبررسی نمونه سن بین ۲۵-۳۵ سال داشته‌اند، ۱۰۰ نفر به عبارتی ۲۵/۹۷ درصد از افراد نمونه دارای سن بین ۱۸-۲۵ سال هستند، ۸۵ نفر یعنی ۲۲/۰۷ درصد افراد نمونه دارای سن ۳۵-۴۵ سال هستند، ۸۰ نفر یعنی ۲۰/۷۷ درصد افراد نمونه دارای سن ۴۵ تا ۵۵ سال هستند و ۱۵ نفر یعنی ۳/۸۹ درصد دارای سن ۶۵-۵۵ سال می‌باشند.

جدول ۴. توزیع فراوانی پاسخگو بر حسب سن

فراوانی تجمعی	درصد معتبر	درصد	فراوانی		
۲۵/۹۷	۲۵/۹۷	۲۵/۹۷	۱۰۰	۲۵-۱۸	Valid
۵۳/۲۴	۲۷/۲۷	۲۷/۲۷	۱۰۵	۲۵-۳۵	
۷۵/۳۱	۲۲/۰۷	۲۲/۰۷	۸۵	۳۵-۴۵	
۹۶/۰۸	۲۰/۷۷	۲۰/۷۷	۸۰	۴۵-۵۵	
۱۰۰.۰	۳/۸۹	۳/۸۹	۱۵	۶۵-۵۵	
	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۳۸۵	کل	

تحصیلات توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات

درصد	فراوانی	*	
۱/۸۱	۷	بی سواد	تحصیلات
۲۲/۵۹	۸۷	ابتدایی	
۱۹/۴۸	۷۵	راهنمایی	
۲۴/۹۳	۹۶	دیپلم و فوق دیپلم	
۲۳/۱۱	۸۹	لیسانس	
۸/۰۵	۳۱	فوق لیسانس و بالاتر	
۰/۱۰۰	۳۸۵	جمع	

باتوجه به نتایج جدول، ۱/۸۱ درصد پاسخگویان بی سواد، ۲۲/۵۹ درصد تحصیلات ابتدایی، ۱۹/۴۸ درصد راهنمایی، ۲۴/۹۳ درصد دیپلم، ۲۳/۱۱ درصد لیسانس و ۸/۰۵ درصد هم در گروه فوق لیسانس و بالاتر قرار داشتند. همچنین بیشترین توزیع فراوانی در گروه تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم است.

جدول ۵. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب اشتغال

درصد	فراوانی	*	اشتغال
۷۴/۰۲	۲۸۵	شاغل	

۲۵/۹۸	۱۰۰	بیکار	
۰/۱۰۰	۳۸۵	جمع	

در جدول شماره (۴-۴) وضعیت اشتغال نمونه مورد مطالعه نشان داده شده است بدین معنی که ۲۸۵ نفر معادل ۷۴/۰۲ درصد افراد شاغل و ۱۰۰ نفر معادل ۲۵/۹۸ درصد فاقد شغل بودند که عموماً در گروه‌های سنی پائین بودند.

یافته‌های استنباطی

*فرضیه اول: بین سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی در بین هواداران باشگاه فولاد خوزستان اهواز رابطه وجود دارد.

متغیر سرمایه اجتماعی در سطح فاصله‌ای و همچنین جامعه‌پذیری سیاسی نیز در سطح فاصله‌ای است، بنابراین از ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون این فرضیه استفاده می‌شود. فرضیه‌های آماری به ترتیب زیر نوشته می‌شود:

$$H_0 = P = 0 \quad H_1 = P > 0$$

در فرضیه صفر فرض ما این است که هیچ گونه همبستگی بین دو متغیر مستقل و وابسته وجود ندارد و فرضیه مخالف صفر، وجود رابطه بین دو متغیر مستقل و وابسته است.

جدول ۶. ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر: سرمایه اجتماعی و

جامعه‌پذیری سیاسی

آزمون	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
پیرسون	۳۸۵	۰/۶۱	۰/۰۰۱

همان گونه که در جدول مشاهده می‌گردد، ضریب همبستگی برابر با (۰/۶۱) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۱) است این نشان می‌دهد که بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد و در نتیجه فرضیه موردنظر مبنی بر رابطه بین دو متغیر تأیید می‌شود و مورد قبول واقع می‌گردد، بدین معنی که با افزایش سرمایه اجتماعی، جامعه‌پذیری سیاسی آنان نیز ارتقا پیدا می‌کند.

*فرضیه دوم: بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی) و جامعه‌پذیری سیاسی در بین هواداران باشگاه فولاد خوزستان رابطه وجود دارد.

متغیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در سطح فاصله‌ای، همچنین جامعه‌پذیری سیاسی نیز در سطح فاصله‌ای سنجیده شده‌اند، بنابراین از ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون این فرضیه استفاده می‌شود. فرضیه‌های آماری به ترتیب زیر نوشته می‌شود:

$$H_0 = P = 0 \quad H_1 = P > 0$$

در فرضیه صفر فرض ما این است که هیچ‌گونه همبستگی بین دو متغیر مستقل و وابسته وجود ندارد و فرضیه مخالف صفر، وجود رابطه بین دو متغیر مستقل و وابسته است.

جدول ۷. ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر: مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی) و جامعه‌پذیری سیاسی

مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی	آزمون	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
مشارکت اجتماعی	پیرسون	۳۸۵	۰/۷۰۵	۰/۰۰۵
همبستگی اجتماعی			۰/۶۴	۰/۰۰۲۲
اعتماد اجتماعی			۰/۵۹	۰/۰۱۲

همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌گردد، ضریب همبستگی مشارکت اجتماعی برابر با (۰/۷۰۵) و سطح معنی‌داری (۰/۰۵) است که نشان می‌دهد که بین مؤلفه مشارکت اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی رابطه وجود دارد لذا فرض پژوهش موردقبول واقع می‌گردد بدین معنی که با افزایش مشارکت هواداران باشگاه فولاد خوزستان، جامعه‌پذیری سیاسی آنان ارتقاء پیدا می‌کند.

تحلیل رگرسیون جامعه‌پذیری سیاسی

جدول ۸. نتایج تحلیل حاصل از تحلیل رگرسیونی چند متغیره تأثیر متغیرهای مستقل بر جامعه‌پذیری

سیاسی

مقدار	ضرایب خام		ضرایب استاندارد شده (Beta)	t	sig
	B	خطای معیار			
مقدار ثابت	۳۰/۶۶	۲/۹۰	-	۲۰/۵۷	۰/۰۰
سرمایه اجتماعی	۲/۹۳	۰/۰۹	۰/۶۱	۱۵/۴۷	۰/۰۰
مشارکت اجتماعی	۱/۰۹	۰/۰۹	۰/۳۱	۷/۲۶	۰/۰۰

۰/۰۰	۹/۱۳	۰/۳۸	۰/۰۸	۰/۹۵	انسجام اجتماعی
۰/۰۰	۹/۲۱	۰/۵۸	۰/۰۱	۰/۱۵	اعتماد اجتماعی

جدول ۹. مدل رگرسیونی تبیین شده طبق آزمون تحلیل واریانس

روش ورود متغیرها	گام به گام
ضریب همبستگی چندگانه	$R=0/566$
ضریب تعیین	$R\text{ Square}=0/320$
ضریب تعیین تعدیل یافته	$\text{Adjusted } R\text{ Square}=0/310$
خطای معیار (خطای همبستگی)	$\text{Std. Error of the Estimate}=10/73$
تحلیل واریانس	$F=12/58$
سطح معناداری	$\text{Sig.}=0/000$

برای مشخص شدن سهم تأثیر متغیر مستقل سرمایه اجتماعی و مؤلفه های آن بر متغیر وابسته جامعه پذیری سیاسی از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شده است. نتایج حاصله نشان می دهد، سرمایه اجتماعی با بتای $0/61$ و سطح معنی داری $0/000$ بیشترین تأثیر را بر روی متغیر وابسته گذاشته است. ضمن اینکه اعتماد اجتماعی با $0/58$ ، انسجام اجتماعی با $0/38$ و مشارکت اجتماعی با $0/31$ بیشترین تأثیر را بر تبیین واریانس متغیر وابسته داشتند. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $0/32$ به دست آمده است و این ضریب بیانگر آن است که 32 درصد از واریانس متغیر جامعه پذیری سیاسی را متغیرهای تحقیق تبیین می کند. همچنین مدل رگرسیونی تبیین شده طبق آزمون تحلیل واریانس، خطی و معنادار است. همچنین مدل رگرسیونی تبیین شده طبق آزمون تحلیل واریانس، خطی و معنادار است.

نتیجه گیری

جامعه پذیری نوعی فرآیند کنش متقابل اجتماعی است که در آن، فرد هنجارها، ارزش ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فرامی گیرد، آن را درونی و با شخصیت خود، یگانه می کند به بیانی دیگر جامعه پذیری به معنای همسازی و همنوایی فرد با ارزش ها، هنجارها و نگرش های گروهی است یا به مفهوم دیگر، اجتماعی شدن سیاسی فراگردی است که به واسطه آن هر فرد، دانش و مهارت های اجتماعی لازم برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی را کسب می کند. مجموعه این ارزش ها، هنجارها، نگرش ها،

دانش‌ها و مهارت‌ها، فرد را قادر می‌سازد که با گروه‌ها و افراد جامعه، روابط و کنش‌های متقابل داشته باشد. فراگرد اجتماعی شدن، امری مستمر و به نوعی مادام‌العمر است. عوامل بسیار زیادی بر فرایند جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان یک جامعه تأثیرگذار می‌باشند که از جمله این موارد می‌توان به نقش سرمایه اجتماعی اشاره کرد. سرمایه اجتماعی نقش قابل‌ملاحظه‌ای در بهبود عملکرد دولت و نهادهای معطوف به آن از جمله دانشگاه در پیشبرد برآیند جامعه‌پذیری سیاسی مخاطبان و به‌طور کلی توسعه سیاسی جامعه دارد. دولت‌ها و نهادهای بهره‌مند از سطوح بالاتر ذخیره سرمایه اجتماعی از دستاوردهای بیشتری در این زمینه بهره‌مند خواهند شد؛ بنابراین در صورت تحلیل رفتن چنین سرمایه ارزشمندی در درون یک نهاد، دستیابی به اهداف کمی و کیفی از جمله موفقیت در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی با شکست روبرو می‌گردد (وایتلی، ۲۰۱۶). بررسی یافته‌های آماری مربوط به مورد مطالعه هواداران باشگاه فولاد خوزستان این پژوهش نشان داد که با افزایش سطح سرمایه اجتماعی در جامعه میزان اثربخشی آن‌ها بر جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان افزایش می‌یابد. به این معنی که می‌توان نتیجه گرفت که واریانس جامعه‌پذیری سیاسی بر اساس سرمایه اجتماعی به شکل معناداری پیش‌بینی می‌شود و مشخص شد که سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن با جامعه‌پذیری سیاسی رابطه مستقیمی دارد. لذا یافته‌های این پژوهش با محمدی (۱۳۹۷)، کاوه (۱۳۹۷)، خرمشاد و همکاران (۱۳۹۸) ویلیامز و همکاران (۲۰۱۹) و دورتی و همکاران (۲۰۱۸) کاملاً همسو است.

در نهایت می‌توان گفت سرمایه‌ی اجتماعی یکی از قابلیت‌ها و دارایی‌های مهم جامعه است که در نظام اجتماعی کشور باید به آن پرداخته شود. دانشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه اجتماعی نقش مهمی در جامعه‌پذیری ایفا می‌کند و افراد برای موفقیت باید الگوی خاصی از سرمایه اجتماعی را با توجه به ابعاد آن برای خود ترسیم کنند (تسلیمی و همکاران، ۱۳۹۵).

منابع

- ابوالحسنی، رحیم، (۱۳۹۲)، «کارکردهای سیاسی سرمایه اجتماعی؛ سرمایه اجتماعی و سیاست»، فصلنامه سیاست جهانی، شماره ۴.
- الوانی، مهدی، (۱۳۸۱)، «سرمایه اجتماعی، مفاهیم و نظریه‌ها»، فصلنامه مدیریت، شماره ۳۴.
- پاتنام، رابرت، (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: سلام.
- تاجبخش، کیان، (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه)، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- توسلی، غلامعباس، (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش، تهران: علم.
- حسینی، سیدحسن؛ میرزایی ملکیان، محمد؛ توکلی، زهره، (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر خانواده بر جامعه‌پذیری سیاسی مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران»، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، شماره ۱.
- خضری، محمد، (۱۳۸۵)، «دولت و سرمایه اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۱.
- خرمشاد، محمدباقر؛ سوری، فرزاد (۱۳۹۸)، «نقش شبکه‌های اجتماعی بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان علوم سیاسی دانشگاه‌های آزاد اسلامی واحدهای تهران (۱۳۹۴-۱۳۸۴)»، نشریه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۸، شماره ۲۹.
- دارا، جلیل، (۱۳۸۹)، «بررسی نقش سرمایه اجتماعی در موفقیت جریان اسلام‌گرا»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۱.
- داوسون، ریچارد ترجمه مهدی جواهری فر (۱۳۸۲)، جامعه‌پذیری سیاسی، نشر لاجورد اهواز.
- لیپست، مارتین و رابرت دوز، ۱۳۲۳، جامعه‌شناسی سیاسی، مترجم: محمد حسین فرجاد، تهران: انتشارات توس.
- محمدی، مجید، ۱۳۲۸، درآمدی بر رفتارشناسی سیاسی دانشجویان در ایران امروز، تهران: انتشارات کویر.

- رفیع، حسین، (۱۳۸۷)، «سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی»، فصلنامه رشد علوم اجتماعی، شماره ۲.
- رنانی، محسن؛ مویدفر، رزیتا، (۱۳۹۱)، چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد: سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران، تهران: طرح نو.
- شارع‌پور، محمود، (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: سمت.
- کاظمی، علی‌اصغر، (۱۳۷۴)، «آگاهی واژگونه»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۳۴-۱۳۳.
- محسنی، منوچهر، (۱۳۸۷)، مقدمات جامعه‌شناسی، تهران: دوران.
- مقدم‌فر، گلناز، (۱۳۸۸)، «جامعه‌پذیری سیاسی»، روزنامه رسالت، شماره ۶۸۲۴.
- منادی، مرتضی، (۱۳۸۷)، درآمدی جامعه‌شناختی بر جامعه‌پذیری، تهران: جیحون.
- نصیری، مرتضی، (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر سیاست‌گذاری عمومی، گزارش تحقیقی کمیسیون بهره‌وری استرالیا، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- نقیب‌زاده، احمد، (۱۳۷۸)، «تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی؛ مورد جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست خارجی، شماره ۳.
- هرمز، مهرداد، (۱۳۷۶)، زمینه‌های جامعه‌شناسی سیاسی: جامعه‌پذیری سیاسی، تهران: پاژنگ.
- Diamond, L., J.Linz & S.Lipset. (1989). Democracy in Developing Countries: Persistence, Failure, & Renewal, Boulder, Colorado: Lynne Rienner Publishers.
- Almond & Verb, 1963, Civic culture, Princeton, NJ, Princeton University, press.

Investigating the relationship between social capital and political socialization among fans of Khuzestan Steel Club

Razieh azarian^۱, Yosef amini^۲, Musa Shahriari^۳

Abstract

Political socialization, in all societies, is the secret of permanence, political legitimacy and stability of the political system. In the Islamic Republic of Iran, due to the occurrence of the Islamic Revolution and thirty years after that, the issue of the third generation and how to find their identity in the political environment of the society and the continuation and reproduction of the political system has become a fundamental issue. Hence, the purpose of this research investigating the relationship between social capital and political socialization among fans of Khuzestan Steel Club. Research hypotheses are based on theories of political sociology such as structural functionalist theory, Parsons, Bourdieu and Giddens. The present research method is a descriptive survey in terms of its practical purpose and in terms of the method of data collection. The statistical population in this research is all the fans of Khuzestan Steel Club in the city of Ahvaz between the ages of 18 and 65, and the sample of this research includes 385 people, which was conducted using a multi-stage cluster sampling method and using a questionnaire tool. The results showed that; there is a relationship between political socialization and social capital among the fans of Khuzestan Participation, social cohesion, and social trust with political socialization.

Keywords: social cohesion, football club, sociology, fans.

۱. Department of Political Sociology, Sho.C., Islamic Azad University, Shoushtar, Iran.

۲. Corresponding Autho: Department of Political Sociology, Sho.C., Islamic Azad University, Shoushtar, Iran.

۳. Department of Political Sociology, Sho.C., Islamic Azad University, Shoushtar, Iran.